اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت نود و چهار)

عرفانهای قدیم و نوظهور (بخش ششم)

اهمیت نماز

طریقه انجام نماز

تمام عرفانهای کاذب قدیم و نوظهور، همگی در نماز گیر می افتند و می لنگند. تعدادی از آنها یا نماز بجا نمی آورند و یا نماز را به دعا تبدیل کردند و یا نماز را برای غیر خدا برگزار میکنند. تعدادی از آنان هم نماز را ضایع و گم کرده اند. خیلی از آنها هم نماز را به یوگا و مدیتیشن تبدیل کردند. گمراهی بشریت از آنجا آغاز شد که نسبت به دستورات خدا بی توجهی کرد و خود را از خدا خیرخواهتر دانست. انسانها متاسفانه بعد از مدتی اصل مساله را تغییر می دهند. مهمترین رکن دین در تمام ادوار تاریخ برای همه پیامبران، نماز بوده است. نماز از آن جهت مهم است که حتی پیامبران هم برای زندگی در این جهان به آن نیاز داشته اند و بر انجام آن اصرار

ورزیده اند. رکنی که پیامبران برای خوشبختی به آن نیاز داشته اند، را چطور مردم عادی از آن بی نیاز خواهند بود! نکته مهم این است که خدا به نماز ما نیاز ندارد، بلکه این خودماییم که به نماز نیاز داریم. توصیه خدا به نماز در قرآن، فقط جهت حفاظت از خودمان است. تصور کنید در طول روز مشغول انجام کارهایی هستید، رانندگی می کنید، مطالعه می کنید، مشغول تفکر در مورد یک موضوع خاص هستید، تفریح می کنید، غذا می خورید، فیلم نگاه می کنید، خیابان گردی می کنید، پیاده روی می کنید و یا مشغول درس خواندن هستید و یا یک آزمایش علمی انجام می دهید و یا قرآن را قرائت می کنید، و یا تجارت می کنید و ... دراینجا عبادی بودن یا عبادی نبودن این امور مهم نیستند. حتی ممکن است که مشغول قرائت قرآن باشید. خدا از ما میخواهد که این امور و کارها و افکار بمدت چند دقیقه قطع شوند و این چند دقیقه به فقط خدا اختصاص داده شوند. در این چند دقیقه باید کلمات مخصوصی که ثابت شده هستند مثل سوره فاتحه و الله اکبر وسبحن ربی العظیم و سبحن ربی الاعلی و اشهد ان لا اله الا الله طی حرکات قیام، سجده و رکوع را بگویید؛ باید بدانید که دارید چی میگوئید؛ نباید مثل طوطی تکرار کنید. باید در این چند دقیقه خدا را مخاطب قرار دهید و فقط و فقط برای او باشد. حتی امور مهمی مثل قرائت قرآن و تفکر در آیات خدا هم باید قطع شوند و نماز بجا آورده شود.

بطور خلاصه، نماز برای این است که بشریت در هیچ امری غرق نشود. خدا مخالف تفریح، مطالعه، تجارت نیست. اما جهت بهبود روان بشر و متعادل نگهداشتن آن، نیاز است که این امور در طول شبانه روز، پنج بار قطع شوند و این پنج زمان به فقط خدا

اختصاص داده شود. نماز، شبانه روز ما را به پنج نقطه و پنج بازه زمانی تقسیم خواهد کرد و باید در این بازه های زمانی، افکار و پندار انسان از غیر خدا قطع شود و افکار و پندار به خدا اختصاص یابد. تمام انحرافات و منکرات و کردارهای بد از همین عدم تقطیعها سرچشمه می گیرد. اگر ترمزی برای افکار، تفریحات، مطالعه، وبگردی، تجارت نباشد، بشر در آن غرق میشود. امور فحشاء و منکر از همین روزنه ها و پیوستگی های مداوم در زندگی پیش می آید. نماز برای قطع نمودن تفکرات و اعمال روزمره ست و محدود شدن تفکر بخدا. جدیدا هم عده ای پیدا شده اند که تاحدی متوجه این ضرورت شده اند و سکوت را بجای نماز پیشنهاد میدهند. آنان می گویند که سکوت همان کار نماز را انجام میدهد. اما سکوت با نماز خیلی فرق دارد. زیرا سکوت، خلوت با خود است و نماز خلوت با خالق خویش است. در نماز فقط با خدا خلوت میشود و لاغیر. در نماز افکار و پندار قطع نمیشود بلکه تمام تفکر و پندار به خدا معطوف میشود. همانطور که در رانندگی باید فقط توجهتان به رانندگی باشد ، در نماز هم باید فقط توجهتان به خدا باشد. این اصل و اساس یکتاپرستی است. نماز برای محافظت از پندار ما است.

وقتی سوره فاتحه را میخوانید، به معنای آیاتش توجه کنید که در مورد خدا چی میگویید. وقتی میگوئید الله اکبر، باید به معنای آن توجه کنید. به همین خاطر خدا در قرآن می فرماید که اقم الصلوه لذکری (نماز را برای یاد من بپادار). یعنی نماز نباید محل فرقه گرائی و حزب بازی و به رخ کشیدن عقاید فرقه ای باشد. بلکه فقط در مورد خدا باید باشد. در نماز هم پندار نیک هست و هم کردار و گفتار نیک هست.

پندار نیک، همان ذکر و یاد خداست. کردار نیک، رکوع و خشوع و سجود برای خداست و گفتار نیک هم کلماتی است که در نماز گفته میشود. در واقع نماز به تنهایی، یک چرخه ی نیک را تشکیل میدهد و باعث چرخش این چرخه میشود. به همین خاطر خدا میفرماید که نماز از فحشاء و منکر نهی میکند. در واقع دور کردن از فحشاء و منکر، بخاطر این است که نماز چرخه ی نیک را می چرخاند. امر به معروف و نهی از منکر، بدون پندار نیک، کردار نیک و یا گفتار نیک، ممکن نیست. هر گونه امر به معروف و نهی از منکری بدون چرخه نیک (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک)، باطل است.

در نماز صدایمان را به خدا، آن خالق هستی میرسانیم و هدفمندانه با او گفتگو میکنیم و تمام توجهمان را به او معطوف میداریم. در حالی که در سایر عبادات مثل خواندن قرآن، شما توجهتان را به فهم آیات معطوف می دارید. نماز چند دقیقه زمان میبرد ولی امور دیگر میتواند تا چندین ساعت هم زمان ببرد. در حین مطالعه و تفکر روی آیات خدا ، میتوانید آن را قطع کنید ولی در نماز اینطوری نیست. نماز باعث میشود که این امورات معنوی، تجاری و یا تفریحی قطع بشود. کارها و امورات دیگر میتوانند قطع شوند، ولی نماز خودش قطع کننده است. مثلا کسی که مدام مطالعه میکند، نماز باعث میشود که از جایش بلند شود و حرکات سجده و رکوع را انجام دهد. در این حالت نماز علاوه بر فایده معنوی، باعث تحرک بدنی او خواهد شد و فرد کمتر به آرتروز و سایر بیماریهای جسمی ناشی از کم تحرکی مبتلا خواهد شد.

البته در مقابل آرتروز بدنی، یک نوع آرتروز و روماتیسم فکری و روانی هم هست که نماز در اصل دوای این درد است. وقتی فکر و پندار انسان مدام بر یک روال پیوسته و تقطیع نشده باشد، فرد خودبخود دچار فریز و جمود فکری خواهد شد و گره ها و عقده های فکری و ذهنی در او ایجاد خواهند شد و این همان آرتروز روانی است. همین گره ها و عقده ها زندگی او را بر هم می زنند. گره ها و عقده های ذهنی و پنداری، باعث متوقف شدن چرخه نیک خواهد شد و به کردار نیک تبدیل نخواهد شد.

این قسمت از جادوی شیاطین، قسمت نود و چهارم جادوی شیاطین است. اگر مجموعه مقالات جادوی شیاطین را مطالعه کرده باشید، متوجه خواهید شد که در مجموعه مقالات جادوی شیاطین، روی نماز خیلی تاکید شده است و بعد از مدتها خودم عمیقا به این نتیجه رسیدم که نماز مهمترین رکن از دین است که خدا برای بشریت توصیه فرموده است. نماز به تنهایی، باطل کننده تمام سحرها و جادوهای شیاطین است. حدود سه سال پیش در عالم خواب، پیامبر ابراهیم را در خواب دیدم؛ من هیچ حرفی نزدم؛ اما پیامبر ابراهیم با لباس زمان خودش، مشغول کار کشاورزی بود و در همان حال به من گفت، اهمیت نماز را اثبات کن. من از سه سال پیش تا چندی پیش توی این فکر بسر می بردم که چطوری اهمیت نماز را اثبات کنم و چه نکاتی را بیان کنم که نماز اثبات شود.

تمام پیامبران در وصیت خود به پیروان و فرزندان خویش بر بجا آوردن نماز بسیار تاکید کرده اند. نماز برای بریدن افکار روزمره ست و سویچ به پندار خالص در مورد

خداست. بعضی ها در حین رانندگی به چیزهای دیگر هم فکر میکنند، در حالیکه درنماز نباید روی چیز دیگری تمرکز کنید و تمرکزتان را باید فقط به خدا معطوف کنید. اگر کسی نتواند در نماز، افکار قبل از شروع نماز را قطع کند ، نماز او بی فایده ست. نماز نوعی سویچ افکار است از افکار روزمره و معطوف شدن به سوی خدای تنها. مثلا در حین مهمانی نماز بجا می آوری و کل بحث مهمانی به هم میریزد و در نتیجه بحثهای روزمره حالت تعادل می گیرد. نماز برای بریدن سلسله افکار و بحثهای روزمره ست؛ حتی بریدن بحثهای خوب. همانطور که روی یک فیلم تمرکز میکنید ، روی نماز هم باید تمرکز کنید و تفکرات قبلی (قبل از شروع نماز) را رها سازید. نماز محل خواستن چیزی از خدا نیست. زیرا باید مشکلات روزمره را رها سازید و توجهتان را فقط بخدا معطوف کنید. نماز برای بریدن پندار-کردار-گفتار جاری (هر سه) است و باید هم پندار و هم کردار و هم گفتار به فقط خدا اختصاص یابد.

نماز هم حرکت است و هم صدا . صدای نمازگزار نباید زیاد بلند باشد و نباید زیاد هم آهسته باشد بلکه حد متوسط. این مورد در قرآن هم تصریح شده است. حتی در حین جنگ هم باید نماز خواند تا که از جو جنگ برای دو دقیقه هم شده، فرد بیرون آید و در جنگ گرفتار بی عدالتی و جفا و نژادپرستی و کینه ورزی نشود و جوگیر نشود.

بعضی از مردم فکر میکنند که نماز مثل یوگاست و نوعی بی فکری است. در حالی که نماز بی فکری نیست، بلکه قطع افکار روزمره ست و باید فکر را فقط به خدا معطوف داشت. یعنی خدا پرستی در افکار و پندار به تمام معنا. بعضی فرقه های عرفانی اسم

نماز را ارتباط با کائنات گذاشته اند. این افراد آنقدر مغرورند که حتی حاضر نیستند اسم خدا را ذکر کنند و به خدا میگویند کائنات!! نماز برای از بین بردن تمرکز روی امور روزمره ست. خدا بیش از صد اسم و صفت حسنا دارد، ولی این عده اسامی کائنات و کارما را برای حذف اسم خدا انتخاب کرده اند. فلسفه نماز دقیقا برخلاف فلسفه یوگا و مدیتیشن و کارما و این جور فلسفه هاست.

بجا آوردن نمازی که وقتش گذشته است، بی معناست، در حالیکه مثلا مطالعه قرآن را میتوان هر وقتی انجام داد. نمازی که وقتش گذشته باشد را دیگر نباید بجا آورد. بلکه باید بفکر نماز بعدی بود و از خدا طلب بخشش کرد. خرید نماز برای مرده هم بی معناست. خرید نماز برای مرده، مثل خوراندن غذا به مرده ست! نماز برای از بین بردن تمرکزهای عادی روی امور روزمره ست. اگر کسی در زمان زنده بودنش استفاده کرد، فبها؛ در غیر اینصورت بیفایده ست. خدا میفرماید که اذا قمتم الی الصلوه **(هرگاه برای نماز بلند شدید). یعنی جهت بجا آوردن نماز باید بلند شد. یعنی باید از جایی که هستی حرکت کنی و تغییری در وضعیت فعلی خویش بوجود آوری. حتی از نظر فیزیکی. این تغییر باید هم از نظر فیزیکی باشد و هم از نظر پنداری. وقتی کسی بخواهد برای نماز بلند شود و نیت نماز میکند؛ در پندار خویش باید تغییر وضعیت انجام دهد و پندارش را به ارتباط با خدا اختصاص دهد. این فرد قطعا کردار و گفتارش را هم باید قطع کند و کردارش را به سجده و رکوع و قیام تبدیل کند و همچنین گفتارش را به کلمات نماز تغییر دهد. نماز خودش یک چرخه ی نیک کامل است. چرخه ی نیک (پندار نیک،کردار نیک،گفتار نیک، گفتار صبر) نباید هیچ وقت**

قطع شود. نماز از قطع این چرخه ی نیک در طول روز جلوگیری میکند. زیرا اگر آدمیان از چرخه ی نیک خارج شوند، اتوماتیک وارد فاز چرخه ی شرّ خواهند شد.

سعی شود (یعنی باید سعی شود) که زمانبندی زندگی خویش را براساس اوقات نماز تنظیم کنیم، زیرا که واقعا بسیار دقیق توسط خدای عالمیان طراحی شده اند. مثلا بعد از نماز صبح باید بیدار شویم و وقت تلاش و کوشش است. اگر نماز بدرستی اجرا شود، هیچوقت تکراری نخواهد بود و هر روز برای اجرای آن مشتاق تر خواهی بود. خدا روزی پنج بار به نماز شما توجه میکند و آن را میشنود. وقتی خدا به یک امری توجه ویژه کند، یعنی خیلی با ارزش است.

هر نمازی که اجرا میشود، افکار و حالات شما را از یک امر قطع می کند. مثلا نماز صبح، خواب و تنبلی شما را قطع میکند. من مطمئنم که خیلی از بیماریها از زیاد خوابیدن و بی تحرکی مستمر پیش می آید. نماز ظهر و یا عصر، شما را از تجارت مستمر باز میدارند تا که در آن غرق نشوید. نماز مغرب، شما را از اوهام و خیالات و نماز عشاء شما را از شب نشینی های طولانی برحذر میدارد و حفظ میکند. نماز، تمام تشویشهای ذهنی ما که چرا در این جهان هستیم و به کجا می رویم و در نهایت چی به سرمان می آید را از بین میبرد. این مفاهیم تماما در سوره فاتحه که در نماز خوانده میشود مطرح شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴿١﴾ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾
صِرَطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾

به نام خدا بخشنده مهربان(۱) ستایش خدا را که پروردگار جهانیان، (۲)رحمتگر مهربان، (۳) مالك [و پادشاه] روز جزا [است]. (٤) تو را می پرستیم تنها و بس، بجز تو نجوییم یاری ز کس. (٥) به راه راست ما را راهبر باش، (٦) راه آنهایی که برخوردارشان کرده ای، همانان که نه درخور خشم اند و نه گمگشتگان. (۷)

اصول و برنامه زندگی انسانها، در نماز، پنج بار در طول شبانه روز، دوباره سِت میشود. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ **(شکرگزاری نعمات و فرصتها)** الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ **(زندگی طبق نظام رحمانی تا مشمول رحیمیت خدا شویم)** مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ **(به فکر روز داوری و قضاوت فلسفه های مختلف دنیایی)** إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ **(فقط خدا را عبادت کردن و فقط از او استعانت خواستن)** اهْدِنَا الصِّرَطَ الْمُسْتَقِيمَ **(دعا برای ماندن در راه راستی و چرخه ی نیک)** صِرَطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ **(و دعا برای دوری از چرخه های لعنت شده و چرخه های گمراه).**

گاهی آدمی را خیالات بر میدارد؛ نماز یک نوع یادآوری است تا که خوابت نبرد در حین رانندگیِ زندگی. بیشتر مشکلات و استرسهای انسان از پیوسته بودن اوضاع اوست. بعضی از مردم بوسیله مسافرت و تفریح سعی در گسسته کردن اوضاع خویش دارند. ولی این نوع گسستگی اوضاع فقط چند بار در سال میتواند انجام میشود و هیچوقت نمیتواند جایگزین نماز شود. زیرا پیوستگی و انجماد روانی در پندار شکل می گیرد و یک امر معنوی است و تفریحات نمیتواند آن را حل کند. وقتی بوسیله نماز؛ افکار، اوهام و اذهان شکسته و قطع شود، در این حالت انفصالی در تفکرات و اذهان و پندار فرد بوجود می آید و همین مورد موجب میشود که فرد در آن تفکرات

و اوهامات غرق نشود. نماز دوباره برنامه زندگی ما (سوره فاتحه) را به ما یادآوری میکند. روزی پنج بار این برنامه باید دوباره در حافظه ما سِت شود. این نشان از ضعف انسان دارد و بدون این برنامه ریزی دوباره منحرف میشود و دنبال شهوات و هواهای نفس میرود.

شیاطین و اجنه در طول روز چنان آدمی را دچار خیالات و توهمات می کنند که اگر این خیالات قطع نشود، باعث تسلط آنان بر روان فرد خواهد شد. خدا میگوید نماز را بجا آورید تا از این تسلط نامحسوس شیاطین و اجنه رهایی یابید. وقتی در نماز رو به خدا می کنید و با او گفتگو می کنید، دیگر شیاطین و اجنه روان این فرد را مناسب لانه خود نمی بینند و فرار می کنند. اما کسی که از ذکر خدا دوری کند ، شیطان قرین او خواهد شد. شیطان قرین کسی خواهد بود که ذکر خدای رحمان نکند.

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿۳۶﴾
و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می گماریم تا برای وی قرین و رفیق باشد (۳۶)

یادآوری خدا در طول روز به تعداد پنج بار، باعث یادآوری نقش خدا در زندگی ما میشود. وقتی تو بدانی که خدا آنکسی است که در سوره فاتحه وصف میکنید، در آنصورت زندگی و آخرت تو در دستان اوست و غرق شدن در اوهام و ترسها و طمعها بی معنی است.

وقتی پیامبر شعیب مردمش را به سوی خدا دعوت میکند و آنان را به عاقبت کم فروشی و گرانفروشی هشدار میدهد، مردمش او را مسخره می کنند و میگویند که

ای شعیب آیا نمازت اینچنین به تو دستور میدهد که ما کم فروشی نکنیم و دست از این اعمالمان برداریم!

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿۸۷﴾

گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می دهد که آنچه را پدران ما می پرستیده اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه ای (۸۷)

این حرف قوم شعیب هر چند از راه تمسخر شعیب گفته شده است، ولی در عین حال اصل مطلب گفته شده درست است. آنها ناخواسته مشکل خویش را مطرح کردند. تعبد بتها و کم فروشی و گرانفروشی قوم شعیب، دقیقا بعلت عدم انجام نماز بوده است. آنها هیچوقت حاضر نبوده اند که روزانه چندین بار برای خدا، افکار و تجارت و امور روزمره خویش را قطع کنند. همین پیوسته بودن کار آنها باعث شد که آنها در امر ناپسند کم فروشی و یا گرانفروشی بیفتند. قطع کردن این امور دنیوی، به نوعی امر کردن هم هست. به همین خاطر قوم شعیب به او گفتند که ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور میدهد که ما اینچنین نکنیم با اموالمان. غرق شدن در هر نوع تجارتی باعث کج شدن آن میشود و کم فروشی و گران فروشی و انواع کلک ها در آن راه خواهد یافت. در جهانی که ما زندگی میکنیم، قدرت باطل خیلی زیاد است و اگر یادآوری خدا نباشد، خیلی راحت فریب باطل را می خوریم.

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید (۴۵)

خدا می فرماید که نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد. قرائت قرآن و انجام نماز دو امر جداگانه هستند و هیچکدام نمیتواند جایگزین دیگری باشد. متاسفانه بعضی از مسلمانان با ابداع نماز تراویح که در اصل نماز نیست و بیشتر قرائت قرآن است، باعث گم کردن اهداف نماز میشوند. نماز تراویح شاید چند دقیقه اش نماز باشد ولی بقیه اش قرائت قرآن است. یعنی ۹۵ درصد بیشترش قرائت قرآن است. کسی نمی گوید که قرائت قرآن عبادت نیست ، بلکه بسیار هم مناسب و بجاست ولی نماز یک امر جداگانه ست و نباید با قرائت و یا ترتیل قرآن قاطی شود. به همین خاطر خدای مهربان تلاوت قرآن و انجام نماز را دو امر جداگانه میداند.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ﴿۲۹﴾

در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم نهان و آشکارا انفاق می کنند امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد (۲۹)

در آیه بالایی ۱-تلاوت قرآن(يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ)،۲- اقامه نماز(وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ) ،۳- انفاق (وَأَنْفَقُوا) هرکدام یک امر جداگانه هستند و هرکدام نقش خودشان را دارند و نباید تلاوت و نماز را با هم قاطی کرد و یا نماز و انفاق را با هم قاطی و ترکیب کرد. متاسفانه بیشتر مسلمانان بعد از سوره فاتحه که مخصوص نماز نازل شده است، یک مقدار دیگر از یک سوره دیگر هم میخوانند که اصولا معنا و مفهوم نماز را از بین برده است. بیشتر آنان قل هوالله احد را میخوانند. آنها در نماز بخدا دستور میدهند که بگو خدا یکی است! درحالی که در نماز، مخاطب خداست. یا بعضی از آنان بعد از سوره فاتحه، آمین می گویند که اشتباه است. آمین کلمه ای است که بنی اسرائیل در زمانی که تحت سیطره فرعون در مصر بودند وارد نماز کردند. این کلمه اصلا عربی و حتی عبری هم نیست و از خدای باستانی مصریان آمون گرفته شده است.

بعضی ها هم حرکات سجود و قیام و رکوع را از نماز حذف کرده اند. جهت باطل کردن این ادعا لطفا آیه زیر را ببینید. این آیه در مورد نماز حین جنگ صحبت میکند.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٢﴾

و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند و چون به سجده رفتند [و

نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را برگیرند [زیرا] کافران آرزو می کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند و اگر از باران در زحمتید یا بیمارید گناهی بر شما نیست که جنگ افزارهای خود را بر زمین نهید ولی مواظب خود باشید بی گمان خدا برای کافران عذاب خفت آوری آماده کرده است (۱۰۲)

لطفا آیه را با دقت بخوانید. آیه به وضوح بر حرکات نماز تاکید می کند. می فرماید که : و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند] باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده اند باید بیایند و با تو نماز گزارند.

سجده و رکوع جزو ارکان نماز است و نماز بدون حرکات سجده و رکوع امکان پذیر نیست. وقتی سجده ای در نماز باشد، حتما رکوعی هم بوده است. زیرا برای رسیدن به حرکت سجده باید از قبل، حرکت رکوع را انجام داد. این آیه تمام کید کسانی که سجود را از نماز حذف کرده اند، بر باد میدهد.

آیه ۱۳۰ سوره بقره:

وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْراهِيمَ إِلاَّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَيْناهُ فِي الدُّنْيا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و کیست که روی برگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشناخت نفس خود را و هر آئینه برگزیدیم او را درین سرای و هر آئینه او در سرای دیگر از شایستگان است.

انسان در فراموش کردن خدا، از هر موجودی سبقت می گیرد. خدای مهربان می فرماید که : و کیست که روی برگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشناخت نفس خود را و هر آئینه برگزیدیم او را درین سرای و هر آئینه او در سرای دیگر از شایستگان است.

خدای مهربان نماز، روزه، زکات و حج را از زمان پیامبر ابراهیم بر تمام آدمیان نوشته و آنان را به انجام این فرایض مهم امر فرموده است. بعضی ها فکر می کنند که نماز و روزه و حج و زکات را پیامبر محمد بوجود آورده است. این افراد در اشتباه کامل به سر می برند. حتی عده ای فکر می کنند که اسلام را پیامبر محمد بوجود آورده است! غافل از اینکه دین تمام پیامبران از ابراهیم گرفته تا موسی و عیسی و محمد همگی اسلام بوده است. خدای مهربان در قرآن برای موسی و عیسی و ابراهیم و سایر پیامبران صراحتا کلمه مسلمان را بکار می برد.

[۱۹:۵۹]   فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا

[۱۹:۵۹] پس از آنها، او نسل هايي را جايگزين آنان كرد كه نمازها (ارتباط با خدا) را ضايع كردند و از شهوات خود پيروي نمودند. آنها از نتايج آن رنج خواهند برد.

ضایع کردن نماز همانا و تبعیت از شهوات همانا. در قرآن در مقابل کلمه اقامه نماز، ضایع کردن نماز ذکر شده است. ضایع کردن نماز وجوه متفاوتی دارد. وقتی معنای

ضایع کردن نماز را بدانیم، خیلی بهتر معنای اقامه کردن را خواهیم فهمید. زیرا اقامه کردن وجه مقابل ضایع کردن است. ذکر نام غیر خدا در نماز، کاهش دادن تعداد نمازها، گم کردن نمازها همگی جزو ضایع کردن نماز است. هر قوم و مذهبی متاسفانه در حق نماز کاستی هایی انجام داده است. مسیحیان نمازها را کلا گم کردند. آنها گفتند که نماز همان دعاست که در کلیسا می خوانیم و به این طریق به هفته ای یکبار تقلیلش دادند. در ضمن آنها با این کار نماز را به فقط کلیسا محدود کردند. هرچند که آثاری از نماز در میان یهودیان یافت میشود ولی معنا و مفهوم خود را از دست داده است. مسلمانان هم متاسفانه نام پیامبر را در تشهد وارد کردند و به این طریق معنا و هدف اصلی نماز را از بین بردند. خدا می فرماید اقم الصلوه لذکری . یعنی نماز را فقط برای یادآوری من برپادار. در تشهد نماز فقط و فقط باید به یگانگی خدا شهادت یاد شود و لاغیر.

ضایع کردن نماز یعنی نماز بیهوده و بیفایده است. مثل درخت بی ثمر و بی فایده یا درخت با میوه ضایع و گندیده. یعنی آن هدفی که نماز دارد، برآورده نمیشود. خدا جهنم را به هفت طبقه تقسیم میکند. یک طبقه از آن سقر نام دارد که این طبقه مخصوص کسانی است که نماز نمی گذارند.

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ ﴿۴۲﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾
چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد (۴۲) گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

شاید تعجب کنید که این سوال را نگهبانان دوزخ از مجرمین نمی پرسند، بلکه بهشتی ها از آنان می پرسند که چرا شما وارد سقر شده اید؟ آنها میگویند که ما از نمازگزاران نبودیم. خود کسانی که در سقر وارد شده اند ، دلیل جهنمی شدن خود را بطور واضح میدانند. نماز بجا نیاوردن! البته آنها همین دلیل را در این دنیا بصورت دیگری اعلام میدارند، آنها میگویند که نماز بر آنان بی تاثیر است و نماز نخواندن بهتر است!

نماز بجا نیاوردن در همین دنیا، هم انسان را وارد سقر دنیایی میکند. سَقَر دنیایی، حالتی از پیوستگی ذهنی و روانی است که انسان را به ربات تبدیل میکند و او را به اوج فلاکت و بدبختی میرساند. انسانها با بجا نیاوردن نماز، پیوستگی روانی و فکری آنان را می گیرد و یواش یواش به ربات تبدیل میشوند و بعد حلقه به گوش شیطان میشوند و در نهایت به زامبی تبدیل میشوند.

مراحل تشکیل سَقَر دنیایی:

۱- تبدیل به ربات
۲- حلقه به گوش شدن
۳- زامبی شدن

ممکن است پرسیده شود که زامبی چیست؟ وقتی در زمان قدیم شیاطین بصورت جسمانی، وارد دنیای انسانها میشدند، به یک انسان نمای زامبی تبدیل میشدند. زامبی بودن واقعیت اصلی شیاطین است. اکنون هم انسانها بدون نماز به ربات و در نهایت به زامبی تبدیل میشوند. زامبی پنداری، فلسفه ای است که میخواهد ریشه بنی آدم را بزنند و او را به نابودی بکشاند و این همان ایدئولوژی ابلیس است. از نظر ابلیس،

انسانها دو راه دارند، یا باید نابود شوند و یا به یک شیطان تبدیل شوند؛ راه حل سومی وجود ندارد. شاید فکر کنید که زامبی یک موجود خیالی است. ولی اینطوری نیست و بلکه پندارها و ایدئولوژیهایی شیطانی وجود دارند که می‌توانند موجوداتی بدون فکر و زامبی مانند درست کنند.

نوعی قارچ مخصوص در آفریقا هست که به مغز مورچه ها حمله میکند و کنترل مغز آنان را به دست می گیرد و در آن موقع به مورچه دستور میدهد که بالای یک برگ برود و خود را آویزان کند و ساکن بماند (مورچه به ربات تبدیل شد). مورچه بعد از آن دستور را جدی گرفته و هیچ تلاشی نمی کند و بعد از مدتی از گرسنگی می میرد. این نوع قارچ در مغز مورچه رشد میکند و بوسیله این مورچه مرده، دنبال پیدا کردن قربانی های دیگر می گردد (حالا مورچه مرده یک زامبی شد). در حالت زامبی، دیگر مورچه مرده است و از خودش هیچ اختیاری ندارد و قارچ فرمانده بدن اوست.

خدا این نوع نشانه را در طبیعت گذاشته است تا متوجه شویم که چطوری یک انسان میتواند به یک زامبی تبدیل شود. زامبی در واقع اختیارش دست خودش نیست و بلکه از یک مجموعه دیگر دستور می گیرد. بعضی بیماریهای روانی، نمونه داخل شدن یک انسان به زامبی پنداری هستند. البته توجه شود که تمام این اتفاقات در پندار صورت می گیرد. تبدیل شدن انسان به زامبی، از پندار منحرف شروع میشود. وقتی انسان کنترل پندار خود را از دست دهد، در آن صورت به یک زامبی تبدیل شده است و هر کاری از دستش بر میاید. نماز برای دوری از چنین اتفاقاتی است که برای هر انسانی ممکن است پیش آید. نماز انسان را از این نوع بیماریها محفوظ میکند. خدا دستور

الکی نمیدهد. وقتی خدا می فرماید که یک امری مهم است و مدام آن را تکرار میکند، یعنی خیلی مهم است.

اگر نماز درست بجا آورده نشود، ضایع شده است و دقیقا مثل این است که بجا آورده نشده است. ضایع کردن نماز هم یعنی: ذکر نام غیر خدا در نماز، حذف سجده و رکوع، بی توجه نماز خواندن، سهل انگاری در انجام نماز و انجام نماز برای ریا و ...

اگر افرادی به اسم مذهب نماز را خراب میکنند و در کنار نماز هر کار بدی انجام میدهند، دلیل بر بی تاثیر بودن نماز نیست، بلکه دلیل بر ضایع شدن نماز آنان است. نماز ضایع شده، مثل میوه ضایع شده است و بیفایده است. اگر یک سیب بگندد، دلیل بر این نیست که همه سیبها اینجوریند. خدای حکیم دستور می فرماید که در حالت مستی و خماری و خیالات و توهمات نماز بجا نیاورید. زیرا نماز ضایع میشود و بیفایده است.

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾ همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند (٢٣)
وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٣٤﴾ و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند (٣۴)
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ که از نمازشان غافلند (۵)
الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ همانان که در نمازشان فروتنند (٢)

طریقه انجام نماز